

## وضعیت‌سنجی رژیم اسرائیل در «نبرد نزدیک»

علی آذری<sup>۱</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۲، پیاپی ۷۸، تابستان ۱۳۹۸؛ صفحات ۱۹۳-۱۶۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۱۰

### چکیده

رشد گروه‌های مقاومت و جهادی با رویکرد نا متقارن نشان داده تاب و توان رژیم اسرائیل را به شدت گرفته و محیط امنیتی داخلی این رژیم را دچار چالش‌های عدیده‌ای ساخته است. نقاط ضعف محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک رژیم صهیونیستی در برابر دگرترین «نبرد نزدیک» جبهه مقاومت این رژیم را به یک اختناق ژئوپلیتیکی رسانده است. تغییرات ژئواستراتژیکی که رژیم صهیونیستی شاهد بوده است به‌علاوه تهدیداتی که محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک رژیم صهیونیستی را در بر گرفته، باعث شده تا این رژیم با کابوسی روبرو شود که موجودیت آن را هم تهدید می‌کند به عبارت دیگر اختناق ژئوپلیتیکی رژیم اسرائیل به خفگی ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. این مقاله درصدد تبیین نقاط تهدیدات محیط امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی و بررسی وضعیت این رژیم در «نبرد نزدیک» به روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

### واژگان کلیدی

حزب‌الله، نبرد نزدیک، راهبرد الجلیل، محیط امنیتی، اختناق ژئوپلیتیکی

---

۱. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی و پژوهشگر حوزه مطالعاتی شامات در مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور



## مقدمه

تابستان ۲۰۰۶ راکت‌های حزب‌الله در ۱۶۰ شهر، روستا، «کیبوتص»<sup>۱</sup> و «موشاو»<sup>۲</sup> رژیم صهیونیستی فرود آمد و بیش از یک میلیون اسرائیلی مجبور به زندگی در پناهگاه‌ها شدند. در آغاز درگیری، نخست‌وزیر اسرائیل، ایهود اولمرت اهداف گسترده‌ای برای این رژیم تعریف کرد. «ایهود اولمرت» در ابتدای آغاز نبرد اهداف اسرائیل را به صورت گسترده تعریف کرد. او در سخنرانی «کنست» در اوایل جنگ، اصرار داشت که حزب‌الله باید از جنوب لبنان جابه‌جا شود، و تأکید کرد که به هیچ وجه این رژیم از این خواسته خود دست نخواهد کشید و جدیت لازم را برای خلع سلاح حزب‌الله دارد. تنها اولمرت نبود که این‌گونه سخن می‌گفت اکثر مقامات سیاسی، امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی در ابتدای جنگ ۳۳ روزه شکست حزب‌الله و به تبع آن امنیت برای جامعه صهیونیستی را نوید می‌دادند. اما هرچه رهبران سیاسی اسرائیل انتظارات عمومی را افزایش دادند، حزب‌الله انتظارات مذکور را کاهش داد. تاکتیک‌های ناکارآمد اسرائیل در تعیین و دستیابی به اهداف واقع‌بینانه باعث ایجاد بحران اعتماد در طیف وسیعی از جامعه صهیونیستی نسبت به رهبری سیاسی و نظامی این رژیم گردید.

در واقع اسرائیل قادر به تعیین رابطه بین اقدامات نظامی تاکتیکی و اهداف سیاسی استراتژیک خود نبود. رژیم صهیونیستی دریافت رویکردهای نظامی تاکتیکی، واقعیت‌های سیاسی پیش روی اسرائیل را در نظر نمی‌گیرد. اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه دچار یک سورپرایز و غافلگیری استراتژیک شد. و «نبرد نزدیک»

۱. نوعی «دهکده اشتراکی» است که ریشه در صهیونیزم و سوسیالیزم دارد. هم‌اکنون در اسرائیل در حدود ۲۵۰ کیبوتص وجود دارد. در کیبوتص، هر کسی به اندازه توان خود کار می‌کند و به اندازه نیازش از درآمد عمومی استفاده می‌کند. همه چیز کیبوتص، مال همه اهالی آن جامعه است و در عین حال، مال هیچ یک از آنان نیست. در کیبوتص «مالکیت خصوصی» وجود ندارد و مالکیت تنها «اشتراکی» است.

۲. نوعی شهرک و محل سکونت در اسرائیل است که با «مزرعه اشتراکی» کشاورزی اداره می‌شود و در آن هر خانواده مزرعه و خانه خویش را در تملک دارد، ولی برخی از وسایل تولیدی روستا به طور اشتراکی در اختیار همه ساکنین موشاو قرار دارد.

را با یک گروه چریکی تجربه کرد. در ابتدای جنگ ۳۳ روزه نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) پیچده بودن نبرد را به مقامات سیاسی رژیم صهیونیستی گوشزد کردند اما علیرغم هشدارهای IDF به کابینه و دولت مبنی بر عدم دستیابی به اهداف اصلی، رهبران سیاسی اسرائیل انتظارات عمومی را افزایش دادند. همین امر سبب شد که انتقادات فراوانی از طرف نخبگان و جامعه صهیونیستی نسبت به رهبران این رژیم وارد شود. اساس این انتقادات بر این پایه بود که هدف اسرائیل در آغاز جنگ ۳۳ روزه هرگز واقع بینانه نبوده است. بنابراین، ترجیح داده می‌شد که با یک هدف متوسط اما قابل دستیابی شروع کند. مطابق این دیدگاه، اسرائیل نباید جنگی را آغاز می‌کرد که در پایان آن تنها ناکامی نصیبش شود. رژیم صهیونیستی دریافت با توجه به تغییر و تحولات منطقه‌ای و پیرامونی‌اش، «نبرد نزدیک» در آینده یکی از چالش‌های اصلی تصمیم‌گیران سیاسی و نظامی این رژیم خواهد بود. صاحب‌نظران امنیتی اسرائیل دریافتند که دیگر تل‌آویو نمی‌تواند همانند گذشته ابتکار عمل را در نبرد آینده در اختیار داشته باشد. رژیم اسرائیل با اینکه ۱۳ سال از جنگ ۳۳ روزه می‌گذرد دریافتند که جنگ آینده اسرائیل، نبرد در زمین دشمن نخواهد بود بلکه این مرزها و درون فلسطین اشغالی است که به صحنه نبرد تبدیل می‌شود و در نتیجه محیط امنیتی داخلی (جبهه داخلی) و خارج نزدیک اسرائیل از چندین جهت مورد هدف قرار خواهد گرفت و حملات هم به عملیات شلیک موشک محدود نخواهد شد. به بیان دیگر این احتمال وجود دارد که عملیات زمینی در جغرافیای رژیم صهیونیستی اجرا شود که می‌تواند شهرها و مناطقی را در شمال فلسطین اشغالی و بلندی‌های جولان و به تبع آن کرانه باختری و غزه در مرکز سرزمین‌های اشغالی را شامل شود.

چنین تحولات بنیادینی باعث می‌شود تا نبرد آینده از لحاظ نظامی و امنیتی تنها دیگر به مانند گذشته یک درگیری محدود (از لحاظ زمانی و مکانی) نباشد، بلکه جنگی فراگیر را در انتظار داشت. از سویی دیگر منطقه غرب آسیا (مشخصاً





و یا فقط جهت انجام یک اقدام خاص به عمق دشمن نفوذ کنند. در این رابطه نبرد حزب الله و رژیم اسرائیل در سال ۲۰۰۶ می تواند الگوی مناسبی برای تبیین نبرد نزدیک باشد در این رابطه «ابوداوود» بیان می دارد: «در جنگ ۳۳ روزه حزب الله به لحاظ مادی و فیزیکی دچار خسارت های زیادی گشت اما از لحاظ متا فیزیکی یک اتفاق ویژه ای برای حزب الله افتاد. حزب الله اولین مجموعه ای است که «نبرد نزدیک» را با اسرائیل تجربه کرده است. یعنی در تصرف پایگاه ها و مقرهای جنوب لبنان از طریق تونل، نبرد راکتی و جنگ چریکی توانست دشمن را از خاک لبنان اخراج کند و حتی یک فاز بالاتر توانست جنگ اشباح و سایه ها را رقم بزند یعنی نزدیک شدن چریک های حزب الله به یگان های رزمی اسرائیل ترس و رعبی به وجود آورد که نظامیان صهیونیست از آن به مثابه شبح یاد کردند و سال ها بعد از اتمام جنگ هم تحت نظر مراقبت های روان پزشکی بودند. این در حالی است که بسیار از ارتش های کلاسیک جرات جنگ از نزدیک با اسرائیل را نداشتند این الگو سبب شد که جهادی های غزه که بیشتر منحنی زن بودند در جنگ ۵۱ روزه با استفاده از تونل و از نزدیک با اسرائیل به مبارزه بپردازند. اسرائیل اساساً در جنگ نا متقارن با حزب الله انتظار جنگ از نزدیک را نداشته است. این الگویی بود که در جنگ ۳۳ روزه به دست آمد و از آن می توان به عنوان دکترین «نبرد نزدیک» یاد کرد». (ابو داوود، ۱۳۹۷: ۱۰۱)

## ۲. محیط امنیتی

هارولد و اسپروت محیط را مجموعه ای از عوامل محاط کننده انسانی و غیر انسانی ملموس و ناملموس می دانند (باربر و اسمیت، ۱۳۷۴: ۱۳۴). افزایش نقش محیط و رخدادهای آن در درک مفهوم امنیت و مدیریت آن، باعث توجه بیشتر بر مفهوم «محیط امنیتی»<sup>۱</sup> شده است به گونه ای که می توان ادعا کرد کلید درک تحولات امنیتی در گرو درک تغییراتی است که در محیط امنیتی رخ داده است





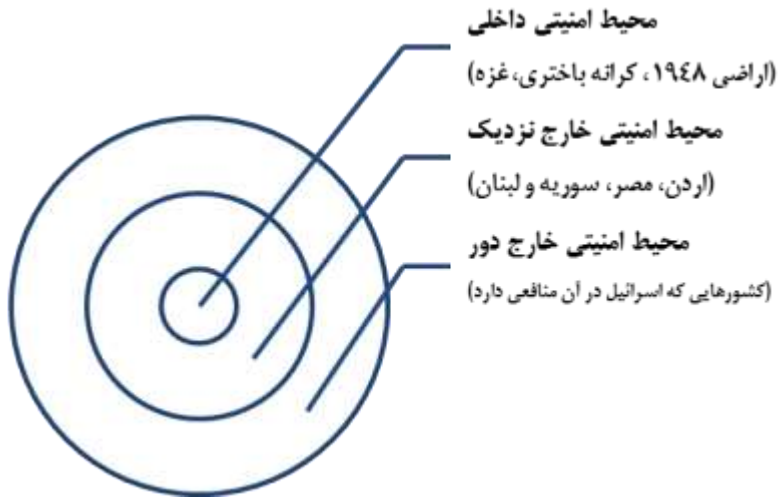
(افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۰). محیط امنیتی شامل مجموعه ای از واحدهای سیاسی است که در آن‌ها فرایندهای امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هردوی آن‌ها چنان درهم تنیده شده‌اند که مسائل و چالش‌های امنیتی را نمی‌توان جدا از یکدیگر تحلیل کرد (بوزان و وبور، ۱۳۸۸: ۵۵). به این ترتیب، می‌توان محیط امنیتی را وابستگی متقابل امنیتی در گستره جغرافیایی خاصی در نظر گرفت (همان، ۱۰۲). عوامل جغرافیایی، توان جمعی، خویشن‌داری کشورها، فرصت‌ها و محدودیت‌های ساختاری و فناوری نظامی محیط امنیتی را شکل می‌دهند و که نحوه ترکیب آن‌ها محیط‌های امنیتی متفاوتی را برای هر کشور به وجود می‌آورند (تانگ، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

محیط امنیتی کشورها چندلایه است و می‌توان آن را به محیط امنیت داخلی و محیط امنیت خارجی تقسیم کرد. در تقسیم‌بندی دیگر، محیط امنیتی یک کشور به سه محیط امنیتی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تقسیم‌بندی است. لایه‌ها و سطوح امنیتی از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. آن‌جا که «محیط» دارای ویژگی پویایی و تغییرپذیری است، محیط امنیتی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به‌طور دائم در معرض تغییر و تحول قرار دارد. هر گونه تحول در محیط امنیتی، به تحول سیاست‌ها و راهبردهای امنیتی منجر خواهد شد (کرمی، ۱۳۸۶: ۳۹).

مفهوم «امنیتی‌سازی» یکی از مباحث بسیار مهم در مکتب «کپنهاگ» است. «امنیتی‌سازی» به فرایندی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، همه مسائل و پدیده‌ها در چارچوب امنیتی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. «باری بوزان» تأکید دارد امنیت پدیده‌ای است که سیاست را به آن سوی قوانین تثبیت شده بازی می‌برد. باری بوزان «امنیتی‌سازی» را به فرد، گروه و دولت نسبت می‌دهد و آن را عملی اجتماعی می‌داند که ارتباط مستقیمی با هویت جامعه دارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۴۸ و ۱۴۹).

## محیط امنیتی رژیم صهیونیستی

در ادبیات امنیت ملی رژیم صهیونیستی، محیط امنیتی این رژیم مشتمل بر سه لایه یا سه حلقه داخلی، خارج نزدیک و خارج دور تعریف شده است (کرمی، ۱۳۸۶: ۴۰). در محیط داخلی، صهیونیست‌ها تهدید را بیشتر از جانب مردم فلسطین و گروه‌های مبارز ضد صهیونیستی احساس می‌کنند. در محیط خارج نزدیک، سوریه به عنوان یک کنشگر دولتی و گروه‌های ضد صهیونیستی در لبنان، مصر و اردن، عمده‌ترین تهدید امنیتی علیه رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند. محیط خارج دور نیز شامل کشورهای می‌شود که با فلسطین اشغالی مرز جغرافیایی ندارند ولی اقدامات این کشورها یا کنشگران غیردولتی فعال در آن‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، بر امنیت رژیم صهیونیستی مؤثر است.



نمایه محیط امنیتی رژیم صهیونیستی

## استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در سال ۲۰۱۵

اسرائیل در جولای ۲۰۱۵ برای اولین بار، متن استراتژی نیروهای دفاعی خود را منتشر کرد. توجه به این متن، ضروری است زیرا نگرش رژیم صهیونیستی به الگوهای خصومت و درگیری با دشمنان اسرائیل را تعیین می‌کند. همچنین تحلیل



این متن برای تدوین استراتژی علیه امنیت اسرائیل و ضد استراتژی تقابل با استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در مبحث «نبرد نزدیک» ضروری است. این متن در ۶۶ صفحه، پنج فصل و ۳۶ بخش تدوین شده است که در ادامه، بخش های تأثیرگذار آن بر موضوع مقاله مورد ارزیابی قرار می گیرد. (IDF, ۲۰۱۶: ۹-۱۳)

فصل اول و بخش چارچوب استراتژیک، بعد از اهداف ملی به توصیف شاخص های تهدید امنیت اسرائیل پرداخته و آنها را به سه بخش دولتی، فرو دولتی و سازمان های تروریستی (که هیچ ارتباطی با دولت خاص یا جامعه ندارند)، تقسیم بندی کرده است. این متن، ایران را به عنوان مصداق تهدید دولتی و حماس و حزب الله لبنان را به عنوان مصداق تهدید فرو دولتی معرفی کرده است. دولت اسلامی شام (داعش)، جهاد جهانی و فلسطینی های عضو جهاد جهانی نیز در زمره مصداق سازمان های تروریستی هستند.

فصل دوم و ذیل موضوع محیط استراتژیک و عملیاتی، به روند تغییر تهدید دولت اسرائیل طی سال های اخیر اشاره کرده و در این باره می نویسد:

«دشمن در گذشته، دیدگاهی با تأکید بر ملت عربی را ترویج و برای نابودی اسرائیل از طریق عملیات نظامی مرسوم تلاش می کرد اما دشمن امروز، دارای ویژگی های محلی، قومی و مذهبی است. اقدام عملیاتی آن تغییر کرده و حالا شامل ترکیبی از فعالیت های نظامی معمول، جنگ نامتقارن، تروریسم و جنگ نرم است.»  
استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل، منطق استراتژیک دشمنان اسرائیل در محیط بین المللی و عملیاتی را تابع ویژگی های زیر می داند:

الف) دشمن تلاش می کند نقش اسلام را در خاورمیانه (که دولت اسرائیل هم جزئی از آن است) تقویت نماید. این اقدام، بر پایه این فرض که جامعه اسرائیل از انعطاف پذیری کمی برخوردار است، به تخریب و نابودی آن می انجامد.

ب) جریان های مقاومت اسلامی به دنبال جابجایی ملت - دولت ها هستند و بی وقفه برای استقرار خود در محدوده های مرزی با نظارت پایین دولتی تلاش می کنند.



ج) مسائل چالش برانگیز با کشورهای غربی بر مشروعیت بین‌المللی اسرائیل تأثیرگذار است.

استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در توصیف محیط عملیاتی توضیح می‌دهد که دشمن با تغییر ویژگی‌های کاربرد زور، نیروهای دفاعی اسرائیل را از طرق زیر با چالش روبرو ساخته است:

الف) کاهش تهدید نظامی معمول از سوی دولت‌ها و افزایش تهدید از سوی سازمان‌های فرو دولتی که به دو صورت نامنظم و نیمه منظم از سوی ایران حمایت می‌شوند. این سازمان‌ها تلاش می‌کنند از یک ویژگی دولتی برخوردار شوند. این موضوع به این مفهوم است که تهدید تهاجم به قلمرو اسرائیل کاهش می‌یابد اما تهدید نفوذ محدود برای فعالیت‌های تروریستی را حفظ می‌کند.

ب) تهدید آتش‌باری بر جبهه داخلی (با ویژگی‌های حجم، دقت، اندازه و تداوم) افزایش یافته و تلاش می‌کند اقتصاد ملی و نقاط آسیب‌پذیر ملی را با تهدید استراتژیک روبرو کند. همه این موارد، تلاش مستمری است برای استمرار آتش منظم از طریق تمرکززدایی، اختفا، حفاظت و استفاده از محیط‌های شهری برای ایجاد قدرت چانه‌زنی و نمایش یک تصویر پیروزمندانه.

ج) دشمن با گسترش و ادغام در محدوده‌های شهری تلاش دارد نیروهای دفاعی اسرائیل را برای انجام عملیات‌های رزمی با مشکل روبه‌رو سازد و با افزایش تلفات شهروندان غیر درگیر در جنگ، آزادی عمل نیروهای دفاعی را کاهش دهد.

د) توانایی‌های رزمی دشمن (بسته‌های انفجاری، راکت‌های زمین به زمین، موشک‌های ضدتانک، سام، ضد کشتی، جنگ الکترونیک و جنگ زیرزمینی) تلاش‌های نیروهای دفاعی اسرائیل بر روی زمین، دریا و آسمان را مختل یا قطع کرده و برتری‌های تکنولوژیک آن را خنثی می‌سازند، تلفات نظامی و غیرنظامی را افزایش می‌دهند و فشار استراتژیک بر اسرائیل وارد می‌کنند.



ه) یک رویکرد چندبعدی در مدت عملیات رزمی و در خلال جنگ شامل حملات سایبری، تلاش‌های حقوقی و روابط عمومی، ترور در داخل اسرائیل و خارج از آن نظیر ربودن سربازان و غیرنظامیان با هدف چانه‌زنی

استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل بعد از توصیف محیط عملیاتی و تغییرات اعمال شده در شیوه‌های کاربرد زور توسط دشمن، به توصیف توانایی‌های عملیاتی اسرائیل در مقابله با چالش‌های عملیاتی موجود پرداخته است:

الف) هزینه‌های دفاعی، اطلاعاتی و نظامی نیروهای دفاعی اسرائیل در مواجهه با چالش‌های عملیاتی به طور اساسی افزایش می‌یابد، این درحالی است که دشمن به طور عمده، هزینه‌های کمتری را نسبت به اسرائیل متحمل می‌شود؛

ب) بخش تکنولوژیک نیروهای دفاعی اسرائیل با مقادیر زیادی از تکنولوژی‌های تولید شده توسط صنایع دفاعی کشورها که به بازار غیر نظامی وارد می‌شوند، در چالش است.

استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل، بعد از توصیف چالش‌های عملیاتی، نیروهای دفاعی اسرائیل را در طول عملیات رزمی علیه سازمان‌های اسلامی فرو دولتی (حماس و حزب‌الله لبنان)، نیازمند موارد زیر می‌داند:

الف) نتیجه‌گیری از یک عملیات رزمی با دستیابی به یک پیروزی و دیکته شرایط منتهی به پایان خصومت؛

ب) کاهش عمده خطر در جبهه داخلی؛

ج) ایجاد یک امنیت بهبود یافته واقعی که ساخت نیروی دشمن را با مشکل مواجه سازد؛

د) مشروعیت بخشی به کاربرد زور.

متن استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در بخش اهداف اقدام نظامی، اهداف استراتژیک و سیاسی اعمال زور را ذکر کرده است:

الف) تأخیر در آغاز درگیری بعدی به واسطه اعمال زور در دوره عادی؛

ب) حفظ یا بهبود موقعیت استراتژیک قبل از اینکه دشمن، تخصص را به وسیله تغییر شرکای عملیاتی یا اهداف آغاز نماید؛

ج) تغییر بنیادین موقعیت با تغییر در موازنه استراتژیک در قالب منفعل سازی دشمنان یا اعمال تغییرات عمده در توانایی‌ها یا موقعیت آنان.

استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل به موازات موفقیت در چارچوب عملیاتی، تداوم دفاع نظامی در سه وضعیت عادی، اضطراری و جنگ تمام‌عیار را الزامی اعلام کرده است:

**الف) وضعیت عادی:** استمرار حفظ امنیت، جلوگیری از درگیری طولانی و انجام عملیات بین جنگ‌ها؛

**ب) وضعیت اضطراری:** به کارزارهای محدود و عملیات‌های خارج از چارچوب جنگ اطلاق می‌شود؛

**ج) جنگ تمام‌عیار.**

نیروهایی دفاعی اسرائیل در هر یک از سه وضعیت ذکر شده، موظف به انجام عملیات‌های تعریف شده‌ای به شرح زیر است :

**الف) وضعیت عادی:** اقدام آفندی و پدافندی، مشروعیت سازی و اقدامات غیر نظامی برای کاهش آزادی عمل دشمن و افزایش آزادی عمل دولت اسرائیل؛

**ب) وضعیت اضطراری:** استفاده از نیروی نظامی محدود (در مقایسه با جنگ دولتی). هدف استفاده از نیروی نظامی، نمایش بیهودگی افزایش استفاده از زور علیه اسرائیل و بازگرداندن موقعیت آرامش بدون اعمال تغییرات فوری استراتژیک است. تلاش می‌شود تأثیر این روند تا حد امکان بر جبهه داخلی محدود بوده و کارزار بر دستاوردهای مشخص متمرکز خواهد بود؛

**ج) جنگ:** استفاده از زور که نیازمند به کارگیری منابع نظامی و ملی بوده و با ریسک بالا و به کارگیری زور پر شدت و مستمر همراه است.

فصل سوم از استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل، در بخش کاربرد زور توسط نیروهای دفاعی اسرائیل به تشریح عملیات در دو وضعیت اضطراری و جنگ



پرداخته است. پاراگراف اول از این بخش به درگیری با سازمان های فرو دولتی نظیر حزب الله و حماس اشاره کرده و پاسخگویی و تجمیع نیرو در این نوع از درگیری ها را هم سطح با عملیات های رزمی علیه ارتش های کلاسیک و دولت ها ارزیابی می کند. استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در بخش عملیات قاطع برای نابودی دشمن، درگیری در این سطح را نیازمند شفافیت تاکتیکی می داند که باید بر اساس مقابله با توانایی دشمن در ادامه جنگ و اقدام علیه نیروهای اسرائیل تعریف شده باشد. این بخش، دستیابی مقدماتی برای اتخاذ یک تصمیم نظامی علیه یک دشمن نظیر حزب الله لبنان یا حماس را چنین توصیف می کند:

(الف) مقابله با توانمندی نظامی به واسطه نابودی نیروی دشمن؛

(ب) کاهش اثرگذاری توانمندی دشمن علیه جبهه داخلی اسرائیل؛

(ج) تسلط بر اهداف مورد نظر دشمن که برای آنها ارزشمند است؛

(د) آسیب زدن به دشمنی که قصد ادامه جنگ را دارد.

در ادامه این روند، استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل، مبحث دیگری به نام «عملیات محدود» را گشوده است که مبتنی بر دستیابی به دستاوردهای محدود است. متن استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل تصریح می کند که این عملیات ها در بیشتر موارد به بازگشت آرامش و ایجاد بازدارندگی در آینده کمک می کنند. این متن، عملیات های محدود را مبتنی بر کارزارهای ترکیبی به شرح زیر اعلام می کند:

(الف) سلب بخشی از توانایی های ویژه دشمن؛

(ب) ضربه اساسی به اهداف دشمن که از اهمیت استراتژیک برخوردارند و زیرساخت های دخیل در اقدامات جنگی دشمن را هدف قرار می دهند؛

(ج) کاهش توانایی هدف گیری جبهه داخلی توسط دشمن؛

(د) بازداشتن دشمن از تشدید وضعیت به واسطه توسعه ابزارها و روش های نظامی.

استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل پس از تشریح جزئیات عملیات محدود به تشریح اصول به کارگیری زور در وضعیت اضطراری و جنگ پرداخته و



ضروریات بنیادین آن را چنین تشریح کرده است:

الف) کیفیت تصمیم‌گیری و ابتکار فرماندهان؛

ب) انجام کامل و سریع مأموریت با استفاده از حداقل منابع؛

ج) روحیه مبارزه در فرماندهان و سربازان.

براساس متن استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل، در وضعیت اضطراری و جنگ، باید اقدامات کامل آفندی و پدافندی مورد نیاز با هر نوع از کارزار به کار گرفته شود:

الف) حملات ترکیبی، فوری و همزمان در دو بخش: اول؛ مانور فوری برای ضربه زدن به دشمن، تسخیر قلمرو، تلاش برای کاهش آتش باری دشمن از محیط‌های باز، تسخیر و نابودی زیرساخت‌های نظامی و تأثیرگذاری بر رژیم بقای دشمن. دوم؛ گسترش عملیات آتش باری استراتژیک بر پایه آزادی عمل محیطی و اطلاعات با کیفیت؛

ب) تلاش‌های مبتنی بر عملیات‌های ویژه؛

ج) اطلاعات با کیفیت برای وارد کردن ضربات عمده به دشمن در دوره درگیری و در زمان بعد از درگیری و اقدامات دفاعی برای منفعّل ساختن دشمن و حمایت از اقدامات آفندی علیه آن؛

د) حفاظت مؤثر علیه خط آتش پرشده؛

ه) اقتصاد جنگی برای به‌کارگیری مؤثر توانایی‌های نیروهای دفاعی در همه بخش‌های نبرد به طریقی که تحقق مأموریت را ضمانت کند؛

و) همبستگی بین توانایی‌ها، تدابیر و دانش؛

ز) به اشتراک‌گذاری تسلیحات با نیروهای دفاعی اسرائیل به منظور حداکثرسازی توانایی‌های آن؛

ح) انعطاف‌پذیری به منظور فعال‌سازی انتقال مؤثر بین موقعیت‌های کارکردی مورد نیاز و محیط‌های عملیاتی و انطباق اقدامات و توسعه آنها به همه سطوح جنگ.





توانایی‌ها و اقدامات اولیه در طول مدت وضعیت اضطراری و جنگ، مباحث مهم دیگری هستند که استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل، آنها را در دو بخش توصیف می‌کند:

الف) دفاع هم‌زمان در همه دامنه‌ها و حوزه‌های عملیاتی؛  
ب) توانایی آفندی که قابلیت درگیری هم‌زمان در چند جبهه را به شرح زیر داشته باشد:

۱. مانور سریع زمینی که مرگ آور، سریع و پایدار باشد و توانایی انعطاف پذیر برای انتقال بین محیط‌ها و جبهه‌ها را فراهم سازد؛
۲. استفاده مؤثر از آتش قدرتمند، با کیفیت، دقیق، چندجانبه و غیرمنتظره در هر زمان و همه زمینه‌های جنگ؛
۳. حمله و عملیات در عمق به وسیله آتش آفندی با تمرکز بر مانور و عملیات‌های ویژه.

استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در بخش‌های ۲۴ و ۲۵ از فصل سوم به تشریح شرایط به‌کارگیری زور در وضعیت عادی می‌پردازد. این روند شامل عملیات‌های مرزی عادی و دفاع سایبری و مرزی است و اعمال بازدارندگی در این دوره از طریق تلاش‌های مستمر آفندی دنبال می‌شود که متن استراتژی نیروهای دفاعی در بخش عملیات‌های بین‌جنگی به تشریح آنها پرداخته است. عملیات‌های بین‌جنگی به عنوان شیوه‌ای از اعمال زور معرفی شده که در راستای تقویت دستاوردهای جنگ قبلی با هدف به تعویق انداختن جنگ بعدی انجام می‌شوند:

- الف) تضعیف سلبی اجزای قدرت دشمن؛
- ب) کاهش قدرت بازتوانی دشمن؛
- ج) ایجاد وضعیت مطلوب برای پیروزی‌های آینده؛
- د) بهبود مشروعیت عملکرد اسرائیل و تضعیف مشروعیت اقدامات دشمن؛

ه) مدیریت عملیات ها بر پایه مفاهیم نظم‌دهنده (نظامی، اقتصادی، قانونی، رسانه‌ای و سیاسی) و ایجاد یک منطق استراتژیک واحد.

استفاده از نیروی آفندی در عملیات‌های بین جنگی ترکیبی از موارد زیر است: الف) عملیات‌های پنهانی و زیرجلدی در تمام عرصه‌های بیرون از مرزهای اسرائیل. این روند بر پایه اطلاعات و با هدف ضربه به توانایی‌ها و ابتکار دشمن انجام می‌شود؛

ب) عملیات‌های آشکار برای ایجاد بازدارندگی در مقابل دشمن، نمایش محدود خویش‌تنداری اسرائیل، بهبود مشروعیت اقدامات اسرائیل و حمایت از تلاش‌های دفاعی اسرائیل برای بقا.

سرفصل‌های اصلی این استراتژی عبارتند از: اهداف ملی؛ توصیف شاخص‌های تهدید امنیت اسرائیل؛ روند تغییر تهدید دولت اسرائیل از عملیات نظامی مرسوم به ترکیبی از فعالیت‌های نظامی معمول، جنگ نامتقارن، تروریسم و جنگ نرم؛ توصیف توانایی‌های عملیاتی اسرائیل در مقابله با چالش‌های عملیاتی و کاربرد زور توسط نیروهای دفاعی اسرائیل در وضعیت‌های اضطراری و جنگ. نکته جالب در این متن آن است که عوامل تهدید کننده امنیت اسرائیل به سه دسته دولتی، فرودولتی و سازمان‌های تروریستی تقسیم بندی شده‌اند. بر این اساس، ایران، مصداق تهدید دولتی است، حماس و حزب الله لبنان، مصادیق تهدید فرو دولتی بوده و دولت اسلامی شام (داعش)، جهاد جهانی و فلسطینی‌های عضو جهاد جهانی نیز در زمره مصادیق سازمان‌های تروریستی هستند. اسرائیل در مواجهه با تهدیدات فرو دولتی و تروریستی «نبرد نزدیک» را پیشبینی می‌کند که در اکثر بندهای استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل مواجهه با آن تدبیر شده است و حساسیت رژیم صهیونیستی را نسبت به «نبرد نزدیک» و تلاش حداکثری برای جلوگیری از شکل‌گیری چنین نبردی را نشان می‌دهد.

استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در سال ۲۰۱۸



در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۸ (۶ بهمن ۱۳۹۶) اخباری پیرامون استراتژی جدید نیروهای دفاعی اسرائیل در مطبوعات و خبرگزاری‌های این رژیم منتشر شد. اما بازتاب این خبر به اندازه اعلام استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در سال ۲۰۱۵ نبود و فقط برخی از نکات آن به بیرون درز پیدا کرد. کارشناسان دلیل علنی نشدن و محرمانه ماندن اصلاحات استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در سال ۲۰۱۸، وجود جزئیاتی درباره مواجهه رژیم اسرائیل در «نبرد نزدیک» است. با توجه به برخی از اطلاعات آشکارشده این اصلاحات شامل اولویت بندی تهدیدات امنیتی اسرائیل، نوع رزم و مبارزه ارتش اسرائیل در نبرد آینده و راهکارها و طرح‌های مقابله با تهدیدات «نبرد نزدیک»، می‌باشد. (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۸) کارشناسانی که درباره اصلاحات مذکور اظهار نظر کرده‌اند نکات ذیل را محور اصلاحات ذکر شده می‌دانند: (Gershon, 2018: 153-142)

- ✓ در دکتترین «نبرد نزدیک»، حزب‌الله بزرگترین تهدید در محیط امنیتی خارج نزدیک و حماس بزرگترین تهدید در محیط امنیتی داخلی است.
- ✓ باید امکانات هجومی برای پاسخ به تهدید دشمن در «نبرد نزدیک» بیش از یک جبهه در آن واحد و به صورت هم زمان فراهم شود.
- ✓ باید در محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک تمام اهداف ویژه دشمن تهیه گردد تا در جنگ آینده دهها هزار موشک بتواند در آن واحد نابود شوند.
- ✓ تهدیدات در محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک باید قبل از بالفعل شدن، نابود شوند.

- ✓ اگر اسرائیل به هر طریقی با «نبرد نزدیک» مواجه شود به هیچ وجه توانایی جنگ فرسایشی را ندارد و باید به صورت کوتاه‌مدت و برق آسا برخورد کند.
- ✓ عملیات فردی و براساس استراتژی گِردگِرها، یکی از تهدیدات بسیار مهم اسرائیل در آینده است و عملاً می‌توان آن را «نبرد نزدیک» امنیتی نامید. این پدیده می‌تواند دستگاه‌های امنیتی اسرائیل مخصوصاً شاباک را به چالش بکشد.





سیستم امنیتی باید این گونه عملیات‌ها را قبل از اجرا شناسایی کند.

✓ حزب‌الله و حماس و دیگر گروه‌های مقاومت در محیط‌های امنیتی داخلی و خارج از نزدیک برای طرح‌ریزی «نبرد نزدیک» متکی به فرماندهان خود هستند که ترور رهبران و فرماندهان مقاومت از وقوع عملیات در محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک جلوگیری می‌کند.

✓ کرانه باختری برای دشمن در طراحی «نبرد نزدیک» نقش بسزایی دارد. برای کاهش یافتن تهدید از ناحیه کرانه باختری باید درگیری فلسطینی- فلسطینی را در آن ناحیه توسعه داد.

بررسی رفتار امنیتی و اسناد راهبردی رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۰۶ تا به امروز نشان می‌دهد که این رژیم سطح هراس و هشدار را با توجه تغییرات ژئواستراتژیکی منطقه نسبت به «نبرد نزدیک» بالا برده است در این میان رژیم اسرائیل در دو محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک نگرانی بیشتری دارد.

### **نبرد در محیط امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی (جبهه داخلی)**

مجموعه‌ای از مؤلف‌ها مثل چگونگی شکل‌گیری و پیدایش رژیم صهیونیستی، دشمنانی که در سال‌های اولیه شکل‌گیری رژیم پیرامون آن شکل گرفته بودند و در کنار آن محدودیت‌هایی همچون نداشتن عمق راهبردی سبب شده بود تا محیط امنیتی داخلی صهیونیست‌ها از همان آغاز پیدایش اسرائیل در معرض خطر قرار داشته باشد. خطری که در حال حاضر و با توجه به دست‌بندی که در منطقه وجود دارد از سوی محور مقاومت این رژیم را تهدید می‌کند و به واسطه وجود همین تهدیدهاست که از سال ۱۹۹۲ تشکیلاتی تحت عنوان «فرماندهی جبهه داخلی» تأسیس شد. این فرماندهی در ابتدا وظایفی نظیر یک سازمان پدافند غیر عامل را بر عهده داشت اما به مرور زمان با توجه ماهیت نبرد آینده و نقاط ضعف محیط امنیتی داخلی رژیم، «فرماندهی جبهه داخلی» اهمیت بیشتری یافت تا بتواند بر نقاط ضعف غلبه کند.



## نقاط ضعف محیط امنیتی داخلی رژیم اسرائیل در نبرد نزدیک

همان گونه که گفته شد در سالهای اخیر ماهیت تهدیداتی که رژیم صهیونیستی در محیط امنیتی داخلی با آن روبرو می‌باشد تغییر کرده است، همچنین که ماهیت ژئوپلیتیکی که این رژیم دارد و محدودیت‌هایی که در این زمینه با آن مواجه می‌باشد هم تغییری نکرده است از همین رو محیط امنیتی داخلی با مجموعه‌ای از نقاط ضعف روبه‌رو می‌باشد که که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

### ۱. ماهیت بازیگران

منازعات کم شدت توسط بازیگران نامتقارن (میکرو قدرت‌ها) توانسته‌اند ماهیت، صورت و تصور نبرد و نیز مفهوم قدرت را تغییر داده و آن را به نفع خود عملیاتی سازند. لذا اولین چالش رژیم صهیونیستی در حوزه محیط امنیتی داخلی، نوعی وجودشناسی بازیگران نامتقارن جهادی است. رژیم صهیونیستی در حوزه دفاع و امنیت همواره در حال اثبات و مقاومت جهادی در مرحله ثبوت به سر می‌برند. (ثابت، ۱۳۹۷: ۸۸)

### ۲. چالش اسیرگیری در دکترین «نبرد نزدیک»

تحولات نبردهای گذشته به ویژه جنگ ۳۳ روزه و غزه نشان داده است ماهیت دکترین نبرد گروه‌های نامتقارن جهادی از راه دور به نبرد نزدیک و رور در رو تبدیل گشته است از سویی دیگر دکترین عملیاتی جنگ نزدیک دستاوردی سترگ برای نیروهای مقاومت در قالب نفوذ در عمق و اسیرگیری و بازگشت به عمق خودی را به دنبال داشته است. (پیشین: ۹۰)

### ۳. تهدید موشک‌های دقیق

یکی از اصلی‌ترین تهدیدهایی که محیط امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی را در موضع ضعف قرار می‌دهد موشک‌های دقیقی است که از چندین جبهه شلیک می‌شود این در حالی است که مقامات اسرائیلی اعتراف کرده‌اند که موشک‌های

مقاومت و مشخصاً موشک‌های کوتاه‌برد «گراد» به چالشی حقیقی برای محیط امنیتی داخلی اسرائیل تبدیل شده‌اند و مقابله با آنها تا ۴۰ کیلومتری شمال و جنوب اسرائیل بسیار سخت خواهد بود. (وتد، ۲۰۱۸) این در حالی است که گزارشات منتشر شده از سوی دستگاه‌های امنیتی اسرائیلی هم حاکی از این است که سامانه دفاع موشکی موسوم به «گنبد آهنین» در قبال موشک‌های شلیک شده از سوی مقاومت فلسطین در غزه به سمت شهرک‌های پیرامونی غزه، عملکرد موفق‌تری نداشته است. (مصطفی، ۲۰۱۸)

#### ۴. خلأ عمق راهبردی

نداشتن عمق استراتژیک جزو نقاط ضعف اساسی اسرائیل و مشخصاً جبهه داخلی آن در هنگام هر گونه درگیری به حساب می‌آید. بزرگ‌ترین عرض جغرافیایی در فلسطین اشغالی ۱۳۷ کیلومتر است این در حالی است که عرض آن مناطق جنوبی ۱۰ کیلومتر است. در نتیجه هیچ گزینه‌ای هنگام تهدید و فشار نظامی محیط امنیتی داخلی اسرائیل جز فرار از اسرائیل وجود ندارد. این نقطه ضعف زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم در نبرد آینده این امکان وجود دارد که از چند جبهه به اسرائیل حمله شود و از سویی دیگر محور مقاومت نسبت به گذشته از توانمندی‌ها و امکان نظامی بیشتری برخوردار شده است. (ابو زبیده، ۲۰۱۸)

#### ۵. تردید درباره کارآمدی سامانه‌های دفاعی

همان‌گونه که گفته شد شلیک گسترده موشک به سمت محیط امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی چالشی است که سبب شده مقامات این رژیم نسبت به کارآمدی سامانه‌ای همچون گنبد آهنین تردید داشته باشند. در همین رابطه «نفتالی بنت» در کنفرانس مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل اذعان کرده است که هرگونه تهاج نظامی جدید علیه لبنان، به محیط امنیتی اسرائیل ضربه‌ای خواهد زد که قبلاً سابقه نداشته است. برآوردهای نظامی اسرائیل به این نکته اشاره دارد که مقاومت





فلسطین در صورت شعله‌ور شدن آتش جنگ علیه نوار غزه یا مقاومت لبنان در صورت بروز جنگ در شمال هزاران موشک را به سمت اسرائیل شلیک خواهد کرد و سامانه‌های دفاعی مانند «آهنین» ممکن است توان کافی برای مقابله کامل با این موشک‌ها را نداشته باشند. (ابوزبیده، ۲۰۱۸)

### ۶. عدم ایمن‌سازی زیرساخت‌ها

آماده نبودن زیرساخت‌ها در مقابل حملات موشکی از جمله مواردی است که محیط امنیتی داخلی اسرائیل را با چالش مواجه کرده است فرماندهی جبهه داخلی اسرائیل اعلام کرده است ۶۲ درصد از بناها در آمادگی خوبی به سر می‌برند ۲۵ درصد شرایط متوسطی دارند و ۱۳ درصد هم از آمادگی سطح پایینی برخوردار هستند. این در حالی است که روزنامه معاریو فاش کرده بود فقط ۱۰ درصد از ۱۵۰ مورد زیرساخت اسرائیل در صورت بروز خطرات بزرگ و در مقابل وقوع جنگ در دو جبهه شمالی و جنوبی ایمن است و مقامات مسئول امیدوارند که تا سال ۲۰۲۲ این وضعیت را به ۱۰۰ درصد برسانند. (الطیبی، ۲۰۱۸)

### ۷. اختلافات سیاسی

اختلافات سیاسی گروه‌های سیاسی و احزاب رژیم صهیونیستی از جمله موانعی است که باعث می‌شود رسیدگی به موضوع آماده‌سازی محیط امنیتی داخلی برای حملات احتمالی، کوتاهی‌هایی صورت گیرد. در اواخر سال ۲۰۱۶ میلادی، گزارش ناظر دولت اسرائیل درباره وضعیت داخلی جبهه داخلی منتشر شد که در این گزارش تصریح شده بود اسرائیل آن طوری که باید برای سناریوی شلیک ده‌ها هزار موشک به سوی آن آماده نیست و بیش از دو میلیون نفر بناهای مستحکم و ایمن‌سازی شده‌ای در اختیار ندارند. در این گزارش با اشاره به اختلافات سیاسی اشاره شده بود که موضوع اختیارات دستگاه‌ها و وزارت خانه‌ها در خصوص آماده‌سازی جبهه داخلی به شکل دقیقی مشخص نشده است و مسائل مختلفی در

این زمینه وجود دارد که به آن پرداخته نمی‌شود. (ابوزبیده، ۲۰۱۸)

#### ۸. محدودیت‌های منابع مالی

ایمن‌سازی محیط امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی برای مقابله با موشک‌های مقاومت از لحاظ اقتصادی به منابع مالی قابل توجهی نیاز دارد که تحقق آن کار آسانی نخواهد بود. بر اساس برآوردی که صورت گرفته است طرح ایمن‌سازی مناطق شمالی اسرائیل نیازمند بودجه‌ای بالغ بر ۳ تا ۶ میلیارد شیکل<sup>۱</sup> می‌باشد. این در حالی است که در سال ۲۰۱۸ تنها ۱۵۰ میلیون شیکل برای این منظور اختصاص داده شده است. (سلیمان، ۲۰۱۸)

#### ۹. اقدامات ابتکاری مقاومت

در سال‌های اخیر مقاومت فلسطین اقدامات ابتکاری موثری را نظیر راهپیمایی بازگشت، بالن‌های آتش‌زا و... را در جهت فعالیت‌های مبارزاتی خود به کار بست. مقاومت با این اقدام ابتکاری توانست محاصره غزه را به چالش بکشد و این باریکه از وضعیت انفجاری رهایی بخشد. رژیم صهیونیستی در کنترل مرزهای نوارغزه با چالش امنیتی ویژه‌ای روبه‌رو شد. و مقاومت نشان داد که حتی اگر هم خلع سلاح شود مبارزه مدنی؛ راهی جدید برای مبارزه با رژیم صهیونیستی است. مقاومت فلسطینی با این اقدام ابتکاری نشان داد مبارزه مدنی یا به تعبیری غیرنظامی حتی علیه یک رژیم کاملاً مسلح و امنیتی قابل اجرا است. اگر تاکنون مبارزات نظامی مسلحانه مقاومت فلسطینی چالش امنیتی برای اسرائیل بود چنین اقدامات ابتکاری برای مبارزه‌های مدنی و غیرنظامی برای به بن بست کشاندن سیاست‌های امنیتی و نظامی رژیم اشغالگر هم بسیار مؤثر است و قطعاً چالش جدی برای اسرائیل در کنترل محیط امنیتی داخلی‌اش می‌باشد. واکنش وسیع رسانه‌های گوناگون بین‌المللی به کشتارهای صهیونیست‌ها در سرکوب راهپیمایی بازگشت اهمیت روش مبارزات مدنی را دوچندان می‌نماید و نشان می‌دهد که چاشنی جدی برای رژیم اسرائیل



محسوب می‌شود. (مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، ۱۳۹۷)

### ۱۰. انتفاضه‌ها و اعتراضات خودجوش مردمی بدون دخالت گروه‌های مقاومت

در ادبیات پژوهشی مسئله فلسطین انتفاضه اول و دوم جایگاه ویژه‌ای دارد. اما انتفاضه سوم چندان عمومیت نیافته است. یکی از استدلال‌های مخالفین انتفاضه نامیدن انتفاضه سوم، مقایسه جمعیت درگیر با انتفاضه در مقابل دو انتفاضه پیشین فلسطین است. در حالی که تحولاتی که در رسانه‌های عربی با نام «انتفاضه السکین» مشهور شده بود چالش امنیتی شدیدتری را نسبت به دو انتفاضه پیشین برای رژیم اسرائیل ایجاد کرده بود. پروفیسور «بوعاز گانو» کارشناس صهیونیستی کانون «هرتزیلیا» در این باره بیان کرده بود: «اسرائیل با موجی از عملیات‌های خطرناک مقاومتی مواجه است که کاملاً با انتفاضه‌های گذشته تفاوت دارد، زیرا در انتفاضه کنونی فلسطینیان از سلاح‌های سرد و خودرو و اخیراً نیز از سلاح‌های گرم (عملیات تیراندازی) استفاده می‌کنند، کما اینکه شمار شرکت‌کنندگان در انتفاضه کنونی در مقایسه با انتفاضه‌های قبلی کمتر است، زیرا در انتفاضه کنونی کمتر از ۳۰۰ شخص در عملیات‌های مقاومتی شرکت دارند و به هیچ‌وجه سخن از هزاران و یا ده‌ها هزار نفر نیست اما با این حال نباید عملیات‌های مقاومتی فلسطینیان و چالش‌های پیش روی سازمان‌های امنیتی و جامعه صهیونیستی در نتیجه این عملیات‌ها را بی‌اهمیت دانست.» (قدسنا، ۱۳۹۵)

نکته مهم در این رابطه این است که به اذعان منابع امنیتی صهیونیستی حملات مذکور توسط گروه‌های مقاومت سازماندهی نمی‌شود و کاملاً خودجوش و مردمی است و به سادگی قابل رهگیری نمی‌باشد. فلسطینی‌هایی که دست به عملیات خودجوش ضد اشغالگران صهیونیست می‌زنند پیام کاریزما را از طرق مختلف مثل فضای مجازی دریافت می‌کنند و برای ضربه زدن حداقل امکانات یعنی چاقو می‌توانند اقدام کنند.

در صورت فراگیر شدن این پدیده محیط امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی به

شدت آسیب‌پذیر خواهد شد.

### نبرد در محیط امنیتی خارج نزدیک رژیم صهیونیستی (مرزی)

نیروهای دفاعی اسرائیل، از آوریل ۲۰۱۵ و در قالب بولتن‌های نوبه‌ای، به ارزیابی تهدیدهای پیرامون مرزهای فلسطین اشغالی پرداخته است. در نسخه‌ای از این گزارش که با عنوان «پنج تهدید اصلی که اسرائیل با آن مواجه است» منتشر شد، صحرای سینا (مصر) غزه، یهودیه و سامریه (در کرانه باختری)، مرزهای سوریه (جولان) و مرزهای لبنان، به عنوان کانون‌های اصلی تهدید معرفی شده‌اند.

(IDF, ۲۰۱۵)

تهدیدات مرزی اسرائیل بر اساس روند منازعات مسلحانه جاری در جهان، متأثر از درگیری و جنگ‌های داخلی دو همسایه شمالی و جنوبی یعنی مصر و سوریه است. همچنین بررسی این درگیری‌ها حکایت از ماهیت دوگانه آنان دارد. بر این اساس، مرزهای رژیم صهیونیستی با سوریه به واسطه یک جنگ داخلی که ماهیت سیستمی دارد، تهدید می‌شود و وضعیت مشابهی نیز به واسطه شورش داخلی در صحرای سینا بر مرزهای جنوبی این رژیم حکم فرماست. ماهیت سیستمی منازعات پیرامونی اسرائیل به معنی مداخله نهادهای بین‌المللی، ترتیبات منطقه‌ای، پیمان‌ها و ائتلاف‌ها در این منازعات است. چنین روندی به دلایل زیر بر امنیت اسرائیل تأثیر مثبتی دارد. (آزاد، ۱۳۹۶: ۴۸-۴۵)

۱. فارغ از روابط نیابتی حاکم بین بازیگران دولتی و فرودولتی، مداخله سیستمی در منازعات سوریه و مصر با هدف مبارزه علیه تروریسم شکل گرفته است؛
۲. اسرائیل فرصت دارد تا با استفاده از تهدید تروریسم مستقر در پیرامون مرزهای خود، اجزای استراتژی دفاعی خود را در قالب عملیات محدود و عملیات بین جنگی علیه دشمنان به کار گیرد؛
۳. ادعای مبارزه با تروریسم، این فرصت را برای اسرائیل فراهم می‌سازد تا در چارچوب رفتار و اقدامات سیستمی برای عملیات‌های آفندی علیه دشمنان،



مشروعیت‌سازی کرده و به مرور این مشروعیت را تقویت کند؛

۴. ماهیت سیستمی منازعات پیرامون اسرائیل منجر به مداخله ابرقدرت‌ها (آمریکا) و قدرت‌های بزرگ (روسیه) در چارچوب ائتلاف‌ها شده است. این بازیگران به‌رغم برخورداری از منافع اختلاف‌زا، دارای منافع مشترکی حول مساله تأمین امنیت اسرائیل هستند؛

۵. نتیجه تشریک مساعی آمریکا و روسیه حول موضوع تأمین امنیت اسرائیل، طراحی و اجرای برنامه‌های تنش‌زدا و ضد تروریسم در همکاری با دولت‌های همسایه اسرائیل (مصر و اردن) است که هدف اصلی از اجرای آنها تأمین امنیت مرزهای اسرائیل در مقابل تهدید دشمنان این رژیم است.

مرزهای جنوبی رژیم صهیونیستی از شرایط کاملاً متفاوتی با مرزهای شمالی این رژیم برخوردار است. دولت مصر برخلاف دولت سوریه، روابط دوستانه با اسرائیل دارد و در چارچوب توافق‌های دوجانبه و بین‌المللی از امنیت اسرائیل دفاع می‌کند. بنابراین تنها در صورت تغییر رژیم در مصر می‌توان به پایان این وضعیت امیدوار بود. مضاف بر اینکه مرزهای جنوبی رژیم صهیونیستی بیشتر مناطق بیابانی و کم‌اهمیت‌تری می‌باشد بنابراین برای درگیر کردن رژیم اسرائیل در جنگ نزدیک باید بیشتر بر مرزهای شمالی تکیه کرد. در اینجا می‌توان بر توان حزب‌الله در قالب «راهبرد الجلیل» و بر توان گروه‌های مقاومت فلسطینی در قالب راهبرد «تسلیح کرانه باختری» سرمایه‌گذاری کرد:

### راهبرد الجلیل

در الگوی جدید بازدارندگی حزب‌الله لبنان می‌توان راهبردهای عملیاتی جدیدی را یافت که اساساً در گذشته نه در ادبیات مقامات این جنبش و نه در ارزیابی توان عملیاتی از آن، قابل مشاهده نبود. این الگوی بازدارندگی عملاً به چالش «نبرد نزدیک» برای رژیم صهیونیستی تبدیل شده است که محیط امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند. یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که چندین بار از



سوی سیدحسن نصرالله دبیرکل جنبش حزب الله لبنان نیز مورد اشاره قرار گرفته و با توجه به بحران سوریه، توان عملیاتی آن نیز از سوی حزب الله مثبت ارزیابی می شود، راهبرد الجلیل است. (الحسینی، ۲۰۱۲) الجلیل نام منطقه و شهری است در شمال فلسطین اشغالی که هم مرز با جنوب لبنان می باشد. بیان راهبرد الجلیل از سوی حزب الله آشکارا نشان از رویکرد آفندی این جنبش در صورت لزوم دارد. راهبرد الجلیل آشکارا سخن از ورود نظامی به «الجلیل و ما بعد الجلیل» می کند. سیدحسن نصرالله در سال ۹۳ در مصاحبه با المیادین، از طرح پیشروی تا الجلیل و حتی «ما بعد الجلیل» سخن گفت: «این که گفته شود آیا مقاومت به قدرتی تبدیل شده است که بتواند وارد الجلیل شود می گویم بله، مقاومت هم اکنون به توانی دست یافته که به تواند وارد الجلیل شود. هم اکنون مقاومت با تمام رزمندگان و افسران و توانایی های نظامی اش آماده هستند وارد الجلیل شوند.» وی با اشاره به اشتباه محاسباتی دشمن و اینکه دخالت حزب الله در سوریه توان حزب الله را کاهش داده، گفت: «البته فراموش نکنید که من می گویم به بعد الجلیل هم می توانیم وارد شویم.» (المیادین، ۲۰۱۵)

نشانه های معناداری وجود دارد که حکایت از معتبر تلقی کردن این راهبرد تهدیدآمیز حزب الله از سوی رژیم صهیونیستی دارد. نصرالله در این خصوص می گوید: «هشدارهای ما در خصوص احتمال حمله به الجلیل جدی بود و اسرائیل آن را جدی تلقی کرد. ایهود باراک، زمانی به مرز لبنان و مرز فلسطین اشغالی رفت و به نظامیان خود گفت خود را آماده ی جنگی در این منطقه کنید... از همان روزی که من آن سخنان را بیان کردم تا امروز، اسرائیلی ها، هوشیار هستند و محتاط.» (پیشین) اور هیلر، گزارشگر نظامی شبکه ی ده تلویزیون رژیم صهیونیستی در خصوص اهمیت راهبرد الجلیل گفته است: «بخش های ویژه ی دستگاه امنیتی ارتش اسرائیل به طور دائم تجربیات حزب الله در جنگ سوریه را مورد ارزیابی قرار می دهند و در همین چارچوب ارتش سرگرم آماده شدن برای



مقابله با توانمندی‌های حزب‌الله در جنگ آینده از جمله امکان نفوذ صدها رزمنده به شهرک‌ها و تسلط بر آن است.» (مواسی، ۲۰۱۶) ارتش رژیم صهیونیستی هم جهت مقابله با حمله احتمالی حزب‌الله به الجلیل، اقدام به احیای کانال‌های ارتباطی میان مسئولان امنیتی در شهرها و شهرک‌های شمال اراضی اشغالی با فرماندهان نظامی این منطقه کرده و جلساتی را نیز در همین راستا برگزار کرده است. (زارعی، ۱۳۹۳) چنین تدابیری بیان‌گر این است که سه ویژگی شاخص معتبرسازی تهدید در الگوی بازدارندگی، در خصوص راهبرد عملیاتی الجلیل محقق شده است؛ تهدید از سوی اسرائیل باور شده است، تهدید عقلانی است و با توان نظامی حزب‌الله و ویژگی‌های جغرافیایی سازگاری دارد و در نهایت اسرائیل این تهدید را با احتمال اجرای بالا، ارزیابی کرده است. تجارب تاکتیکی که حزب‌الله از بحران سوریه فراگرفته است، عمیقاً می‌تواند در خدمت راهبرد الجلیل قرار گیرند.

### راهبرد تسلیح کرانه باختری

کرانه باختری و تسلیح آن به دلایل متعددی حائز اهمیت است. کرانه باختری از سه جهت به سرزمین‌های اشغالی مشرف است. این اشراف به معنای راهیابی، دسترسی و دستیابی منطقه کرانه باختری به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ است. البته سه ضلع این منطقه با اراضی ۱۹۴۸ همسایه است و از سمت شرق با اردن هم‌مرز است.

اگر کرانه باختری و نوار غزه را از اراضی ۱۹۴۸ جدا کنیم، شمال اسرائیل از سمت ساحلی و تل‌آویو به شدت باریک می‌شود و رفته‌رفته در جنوب، کمی عمق استراتژیک پیدا می‌کند. این مسأله از حیث جغرافیایی برای اسرائیل، ضعف اصلی محسوب می‌شود به هیچ وجه عمق استراتژیک ندارد؛ زیرا از مرز کرانه باختری تا دریای مدیترانه در برخی نقاط، فاصله سرزمینی اسرائیل حدود ۱۳ کیلومتر است (Byman, ۲۰۱۱: ۳۴۹) که ضعفی عمده و بزرگ به شمار می‌رود. نکته مهم اینکه تل‌آویو، پایتخت اقتصادی این رژیم، در همین نقطه قرار گرفته است؛ یعنی در



جایی که عمق استراتژیک خیلی کم و باریک می شود. نوار غزه این ویژگی کرانه باختری را ندارد؛ زیرا از حیث سرزمینی در گوشه‌ای قرار گرفته است که برای رژیم صهیونیستی استراتژیک نیست. در نتیجه اگر کرانه باختری تسلیح شود، اسرائیل به دو قسمت تقسیم می شود. وجود بخش عمده صنایع استراتژیک اسرائیل در تل‌آویو و حیفا اهمیت این موضوع را دوچندان می کند.

کرانه باختری با ۲/۵ میلیون نفر شهروند فلسطینی از پتانسیل جمعیتی درخور توجهی برای تسلیح برخوردار است. وجود شهرک های اسرائیلی، به لحاظ امنیتی یک نقطه مثبت و مزیت برای تسلیح این منطقه به شمار می رود و صهیونیست ها در این نقطه ضربه پذیر خواهند بود. حدود نیمی از جمعیت اردن، فلسطینی هستند و در حال حاضر ارتباط وسیعی میان فلسطینی های اردن و مردم کرانه باختری دیده می شود. مرز مشترک و طولانی اردن و کرانه باختری، اهمیت تسلیح کرانه باختری را دوچندان کرده است. وجود قدس شرقی در کرانه باختری یکی از دلایل اهمیت کرانه باختری است. فلسطینی های کرانه باختری به قدس شرقی نسبتاً دسترسی دارند و اهمیت تسلیح با توجه به این منطقه واضح و مبرهن است؛ زیرا اولاً افکار عمومی مسلمانان را می توان با قدس تحریک و مسلمانان جهان را برای آزادی آنجا بسیج کرد. ثانیاً هرگونه تعرض به مسجدالاقصی برای فلسطینی ها خط قرمز محسوب می شود و هر اتفاقی در مسجدالاقصی، برابر عکس العمل این مردم است. (رضوی، ۱۴:۱۳۹۴) بر این اساس تسلیح کرانه باختری و شکل گیری هسته های چریکی می تواند در دکترین نبرد نزدیک وضعیت امنیتی رژیم اسرائیل را بسیار بغرنج کند. تنها تاکتیک رژیم صهیونیستی برای مهار کرانه باختری ایجاد درگیری فلسطینی- فلسطینی می باشد که چاره اندیشی برای اتفاق نظر در تسلیح کرانه باختری میان همه گروه های فلسطینی بسیار پراهمیت است.

### نتیجه گیری

در جنگ ۳۳ روزه رژیم اسرائیل علیه حزب الله لبنان، رژیم صهیونیستی دچار یک






غافلگیری استراتژیک شد و عملاً به اهداف خود دست پیدا کرد و خسارت‌های فراوانی را دریافت کرد. حزب‌الله لبنان اگرچه خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی دید اما توانست ثابت کند تهدیدش نسبت به رژیم صهیونیستی معتبر است. بعد از آن با الهام گرفتن از این الگو مقاومت فلسطینی معتبر بودن تهدید خود را به اثبات رساند و می‌توان یک الگوی بازدارندگی میان جبهه مقاومت و رژیم اسرائیل برقرار کرد.

تهدیدات جبهه مقاومت کاملاً برای اسرائیل معتبر محسوب می‌شوند و بر همین اساس این رژیم با اتخاذ تدابیری هم‌چون آمادگی و سازماندهی نظامی و امنیتی در مناطق شمالی و یا جابه‌جایی مخازن آمونیاک، سعی در برطرف کردن این تهدیدات داشته است. اما نقاط ضعف محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک رژیم صهیونیستی در برابر دکترین «نبرد نزدیک» جبهه مقاومت این رژیم را به یک اختناق ژئوپلیتیکی رسانده است. تغییرات ژئو استراتژیکی که رژیم صهیونیستی شاهد بوده است به‌علاوه تهدیداتی که محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک رژیم صیونیستی را دربر گرفته، باعث شده تا این رژیم با کابوسی روبه‌رو شود که موجودیت آن را هم تهدید می‌کند به عبارت دیگر اختناق ژئوپلیتیکی رژیم اسرائیل به خفگی ژئوپلیتیکی تبدیل شده است.

نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی اساساً بر مبنای دکترین امنیتی شکل گرفته است که بنیانگذار آن «دیوید بن گورین» بوده است و بنیان آن هم استفاده از ابزارهای تهاجمی می‌باشد. به همین دلیل ارتش اسرائیل از بدو تأسیس این دکترین را دنبال کرده است و پیوسته به دنبال آن بوده است که برای مقابله با دشمنانی که در محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک آن حضور دارند رویکردی تهاجمی داشته باشد و ضمن کشاندن جنگ در زمین طرف مقابل، به نتایج مورد نظر دست یابد و نبرد را به سرعت پایان دهد.

طبیعی است در چنین دکترینی موضوع دفاع مغفول واقع شود اما تغییراتی که



در سال‌های اخیر حادث شده باعث گردیده تا جبهه داخلی رژیم صهیونیستی به پاشنه آشیل استراتژی نظامی نیروهای دفاعی اسرائیل تبدیل شود. هر چند که در سال‌های اخیر رژیم اسرائیل تلاش وافری را برای اصلاح و منطبق شرایط زمانه زمانه کردن انجام داد اما در حال حاضر هم «نبرد نزدیک» مقاومت چالشی اساسی و تهدیدی جدی برای رژیم اسرائیل است. رژیم صهیونیستی با هدف قرار دادن بعضی از مواضع جبهه مقاومت (حشدالشعبی در عراق) سعی دارد تهدید خود را معتبر نشان دهد تا بتواند مقاومت را از مرزهای خود دور کند اما مقاومت با درک محدود تهدیدات رژیم صهیونیستی در محیط خارج دور این رژیم تأکید بر محیط امنیتی داخلی و خارج نزدیک این رژیم را فراموش نخواهد کرد.

پس در عملیات مبنی بر «نبرد نزدیک» مقاومت علیه رژیم اسرائیل باید ساحت جبهه درونی و محیط امنیتی داخلی رژیم صهیونیستی مد نظر باشد. محیط امنیتی داخلی در عملیات نامتقارن گروه‌های جهادی باید به اولویت معنادار تبدیل و نسبت به آماده‌سازی زیرساخت‌ها توجه شود.



## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

- ابوداود (۱۳۹۷)، صادق الودع، مجموعه مصاحبه‌ها و مقالات کنگره شهید عماد مغنیه، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور
- ابوزبیده، رامی (۲۰۱۸) نقاط ضعف الجبهه الداخليه الاسرائيليه للحرب، الميادين
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷) محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، تحلیل محیط امنیتی، رویکرد جامع، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- الحسيني، لطيفه (سپتامبر ۲۰۱۲). «الجليل كنز استراتيجي في مرمي حزب الله»، المقاومة. قابل بازیابی در: <https://www.moqawama.org/essaydetails.php?eid=۲۶۳۸۱&cid=۳۳۰>
- الطيبي، عدنان (۲۰۱۸) هل الجبهه الداخليه الاسرائيليه جاهزه للحرب... تابع التفاصيل، عكا للشئون الاسرائيليه
- الميادين (۲۰۱۵). «حوار العام مع الأمين العام لحزب الله السيد حسن نصر الله». قابل بازیابی در: <http://www.almayadeen.net/episodes/۷۵۳۶۵۷>
- آزاد، امیرحامد (۱۳۹۶) فرصت‌های جبهه مقاومت در تهدیدات مرزی اسرائیل، پژوهش راهبردی، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور
- باربر، جیمز و مایکل اسمیت (۱۳۷۴) ماهیت سیاستگذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه سیدحسین سیف‌زاده، تهران: قومس
- بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸) مناطق و قدرت‌ها، ساختار امنیت بین‌المللی، ترجمه رحمن قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ثابت، علی (۱۳۹۷) جبهه داخلی رژیم صهیونیستی در نبرد آینده، فصلنامه مطالعات فلسطین
- ثابت، علی و ابراهیم متقی (۱۳۹۱) مبانی هستی‌شناسی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره هفدهم، زمستان ۱۳۹۱
- رضوی، سلمان (۱۳۹۴) امکان‌سنجی شرایط اجتماعی - امنیتی اردن و کرانه باختری در طرح تسلیح، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور، پژوهش راهبردی
- زارعی، محمد (۱۳۹۳).مقابله اسرائیل با طرح‌های آزادسازی غلاف غزه و الجلیل، مؤسسه ندا، قابل بازیابی در: <http://nedains.com/fa/news/۳۰۹۸۲۶>
- زارعی، محمد (۱۳۹۷) استراتژی نظامی جدید اسرائیل، گزارش ویژه، تهران: مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا
- سلیمان، حسن (۲۰۱۸) مصائب الجبهه الداخليه، مجله البلاد الالکترونیه
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹) نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات ابرار معاصر
- قدسنا (۱۳۹۵) «کارنامه عملکرد شش‌ماهه اسرائیل در مهار انتفاضه سیاه است»، قابل دستیابی:

<http://www.qodsna.com/NewsPage.aspx?newsid=61909>

- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۶) دکترین نظامی اسرائیل، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور  
- مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین (۱۳۹۷) فلسطین و راهپیمایی بازگشت: زمینه‌ها و دستاوردها، قابل  
دستیابی: <https://farsi.palinfo.com/news/2018/4/19/>

- مصطفی، حسین (۲۰۱۸) صواریخ المقاومة بغزه تفضیح مفخره الصناعه الاسرائیلیه، عربی ۲۱  
- مواسی، حسن (۲۰۱۶). «محللون عسکریون یؤكدون مواصله الاستعداد لحرب ثالثه مع لبنان»،  
المستقبل. قابل بازیابی در:

<http://www.almustaqbal.com/v4/Article.aspx?Type=NP&ArticleID=698307>

- وتد، محمد (۲۰۱۸) صواریخ غراد الاكثر تهديدا على الجبهه الداخليه الاسرائيليه، عرب ۴۸

### الف) منابع لاتین

- Byman , Daniel (۲۰۱۱), A High Price: The Triumphs and Failures of Israeli Counterterrorism, Oxford University press
- HaCohen Gershon(۲۰۱۸) IDF Strategy – Force design,PDF: <https://www.idf.il/media/11164/hacohen.pdf>
- The IDF Strategy Av ۵۷۷۵ (۲۰۱۶)The IDF Chief of the General: Staff<https://www.idfblog.com/s/Desktop/IDF/20Strategy.pdf>
- IDF (۲۰۱۵) The ۵ Major Threats Facing Israel, Published on: April ۶, ۲۰۱۵:  
<https://www.idfblog.com/2015/04/06/5-major-threats-facing-israel/>

